ادامه از صفحه ۵

اعتراض به انحراف در تشخیص صلاحیت

اقدام به تهیه جدول دیگری به‌جای جدول شماره (۵) آیین‌نامه کرد که مطابق آن امتیاز کارهای مشاوران محاسبه و باهم جمع نمی‌شوند، بلکه برخلاف آیین‌نامه ابتدا حق‌الزحمه‌های دریافتی تمام پروژه‌ها در یک تخصص باهم جمع می‌شوند و سپس این رقمِ کل لابد می‌خواهد در جدولی قرار گیرد که نتیجه آن تعیین امتیاز تجربه کاری مشاور باشد؛ این هم امکان‌پذیر نبوده است، زیرا جدول شماره (۵) آیین‌نامه اصولا برای مبالغ دریافتی پروژه‌ها طراحی شده و گنجایش این ارقام را نداشته است. ازهمین‌رو، مدیران وقت معاونت نظارت راهبردی چاره کار را در این دیدند که خود به‌جای هیأت وزیران اقدام به تهیه جدول دیگری کنند تا ارقام بزرگ جمع کل حق‌الزحمه دریافتی مشاور از تمام پروژه‌های یک تخصص را که اساسا مورد نظر هیأت وزیران نبوده است، دربر گیرد. این مدیران، به‌این‌ترتیب، با تعمیم غیرمجاز ارقام جدولی که اصولا برای پروژه تعبیه شده است، در نعلی وارونه و برخلاف سنت سازمان برنامه ارقام کل حق‌الزحمه‌ای را برای کسب رتبه‌های یک و دو محاسبه و به‌صورت غیررسمی اعلام کردند و هم‌زمان رویه سخت‌گیرانه‌ای را نیز در پذیرش سابقه کارهای انجام‌شده وضع کرده‌اند که مطابق آن مشاورانی که بیش از ۳۰ سال با رتبه‌های بالا خدمات مهندسی ارزشمندی را برای کشور انجام داده‌اند، اکنون باید هم‌پای تازه‌کارانی که حتی یک کار انجام نداده‌اند، تقاضای پایین‌ترین رتبه را کنند. باورش البته دشوار است، ولی متاسفانه واقعیت دارد، اما آیا با خوشبینانه‌ترین نگاه می‌توان باور کرد که مدیران وقت معاونت نظارت راهبردی بدون نیت خاص و با تصور اجرای آیین‌نامه به این امر مبادرت کرده‌اند؟ پاسخ با کمال تأسف منفی است، زیرا این مدیران که اختیار قانونی صدور انواع دستورالعمل‌های اجرائی را دارند، منویات خود را که درواقع یک تغییر رویکرد نسبت‌به آیین‌نامه هیأت وزیران است و اعمال‌پذیر در دستورالعمل‌های اجرائی نبوده است، در جدولی بی‌نام‌ونشان به مراکز تشخیص صلاحیت، ازجمله جامعه مهندسان مشاور ایران و استانداری‌ها ارسال کرده‌اند، زیرا به‌خوبی می‌دانسته‌اند آیین‌نامه اساسا چیز دیگری می‌گوید. حال آنکه، اگر هیأت محترم وزیران چنین قصد و نیتی داشت که برخلاف آیین‌نامه‌های قبلی به‌جای مجموع امتیازات پروژه‌ها، جمع کل حق‌الزحمه‌های دریافتی پروژه‌ها در یک تخصص را ملاک محاسبه امتیاز قرار دهد، اولا، دیگر معیار نهایی امتیاز تجربه کاری را مبنای سنجش قرار نمی‌داد و ثانیا، خود اقدام به تهیه جدولی متناسب با ارقام کل حق‌الزحمه می‌کرد، بنابراین تردیدی وجود ندارد که در این نقطه بسیار مهم، آیین‌نامه هیأت وزیران از هدف و متن خود منحرف شده است. البته این نقد ذره‌ای از ارزش زحمات کارشناسان خدوم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نمی‌کاهد، زیرا آنها نقشی در این اشتباه نداشته‌اند. اما، نیت مدیران وقت هرچه باشد -چه ایجاد انحصار از طریق حذف سازمان‌های باسابقه و چه ارتقای سطح کیفی مهندسی کشور با سخت‌گیری بیشتر- در دو چیز تردیدی نیست؛ اول، رویه اتخاذشده کاملا خلاف آیین‌نامه است. دوم، این رویه منجربه فرسایش توان کلیه مهندسان مشاور کشور و نابودی یا فلج کامل بخش بزرگی از آنها شده است. اکنون دو تشکل مهم مهندسی کشور در نامه‌های اعتراضی خود به بالاترین مسئولان اجرائی، تقاضای رسیدگی فوری به این مهم و لغو رویه و جدول مجهول‌الهویه‌ای را کرده‌اند که به باور آنها مهندسان مشاور کشور را در این وانفسای تحریم و رکود اقتصادی به روز سیاه نشانده است. آیا دولت یازدهم واقعا می‌خواهد در شرایط بحران فعلی و کمبود کارهای مهندسی فشار مضاعفی را بر مشاوران نظام فنی و اجرائی کشور وارد کند تا کهنه‌کاران خسته، اما مجربِ مهندسی، جای خود را به تازه‌کارانِ گرد راه نخورده، ولی متصل به منابع بادآورده دهند؟ آیا برای این ارتش ذخیره بیکارانی که از سال‌ها پیش با اهرم تشخیص صلاحیت در مهندسان مشاور کشور تجمع کرده‌اند تا شاید دولت کریمه لطفی کند و کاری به آنها ارجاع دهد، عذابی بیشتر لازم است تا نسل جدید مهندسان اساسا عطای کار و زحمت مهندسی را به لقایش ببخشد و به خیل دلالانی بپیوندد که این مُلک را جولانگاه خود کرده‌اند؟

گذر

جزئیات جدید از توافق تهران - مسکو

● **مهر:** یک مقام مسئول در شرکت نفت اعلام کرد: ایران و روسیه به‌منظور فروش نفت و ایجاد صندوقی مشترک برای خرید انواع کالاها و محصولات در ازای پول نفت به توافق نهایی دست یافتند. بیژن زنگنه، وزیر نفت، با تاکید بر اینکه با الکساندر نوواک، وزیر فدراسیون انرژی روسیه، در وین، پایتخت اتریش، توافق کرده که روزانه کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز در مقابل پول نقد از ایران خریداری کنند، گفت: ایران این پول‌ها را برای خرید اقلامی نظیر فولاد، گندم و محصولات جانبی تولید نفت از روسیه استفاده خواهد کرد.

سراب توسعه بدون عدالت اجتماعی

جامعه نابرابرساز باعث می‌شود انگیزه‌های دانایی و بهره‌وری تضعیف و به جای آن رانت و فساد همه‌گیر شود

فرشاد مؤمنی
اقتصاددان

در ادبیات توسعه، مسیری به نسبت طولانی در زمینه نسبت عدالت اجتماعی و توسعه طی شده است. در این مسیر تلقی‌های اولیه این بود که عدالت اجتماعی می‌تواند برای رشد تولید ملی مخاطره‌آفرین باشد. دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ جهان شاهد کوشش‌هایی بود که از زاویه چنین باوری، عدالت اجتماعی را به حاشیه کشیدند و چیزی که در عمل حاصل شد نابسامانی‌ها و ناپایداری‌های گسترده در همه عرصه‌های حیات جمعی کشورهای در حال توسعه بود. جالب اینکه اولین و بزرگ‌ترین قربانی بی‌اعتنایی به عدالت اجتماعی رشد ت،ولید ملی بود. از آن زمان تا امروز کوشش‌های نظری بسیار ارزنده و تجربه‌های عملی بسیار قابل اعتنایی در اختیار ماست که باید امیدوار بود دولت جدید از تجربه‌های جهانی و از تجربه‌های تاریخی ایران استفاده کند و جایگاه بایسته‌ای برای عدالت اجتماعی در برنامه ششم لحاظ کند. در غیر این صورت، تجربه عملکرد دولت جدید هم چیزی چندان فراتر از تجربه دولت قبلی نخواهد بود. اولی با بد دفاع‌کردن از عدالت اجتماعی و با تکیه بر سفله‌پروری و ضدیت با بهره‌وری، فاجعه آفرید و بعدی در معرض این خطر قرار دارد که با بی‌اعتنایی به آن مردم را مأیوس و نظام ملی را ناپایدار کند. در این زمینه توصیه مشفقانه من به دست‌اندرکاران تدوین برنامه ششم توسعه این است که حداقل گزارش ارائه‌شده در سال ۱۹۹۹ توسط مؤسسه وایدر (مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصاد توسعه) که معتبرترین مؤسسه پژوهشی کنونی جهان در زمینه مطالعات توسعه است و مستقیما زیر نظر سیستم ملل متحد کار می‌کند، ملاحظه کنند. در سال ۱۹۹۹ این مؤسسه یک پروژه جهانی را به اجرا گذاشت و نتایج آن در همان سال انتشار یافت. موضوع آن پژوهش، ارزیابی تجربیات توسعه در قرن بیستم و ارائه رهنمودهایی برای قرن بعدی بود. شاید قابل اعتناترین یافته آن پژوهش این بود که تقریبا تمام نارسایی‌ها و سوءکارکردهایی را که در تجربه‌های ناموفق توسعه ردگیری کرده بودند، به بی‌اعتنایی به عدالت اجتماعی یا بددفاع کردن از آن مربوط می‌شد. از طرف دیگر، در آن گزارش واکاوی تمام تجربه‌های موفق توسعه نشان داده بود که مؤلفه اصلی موفقیت آنها هم برخورد برنامه‌ریزی‌شده و عالمانه برای طراحی یک برنامه توسعه ملازم با عدالت اجتماعی بوده است.

در آنجا توضیح داده شده بود که درواقع ما با یک نظام حیات جمعی روبه‌رو هستیم. به‌عبارت دیگر نمی‌توانیم وجوه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به‌صورت جزیره‌ای و جدای از هم موردبررسی قرار دهیم. در جامعه‌ای که نابرابرساز است، هم روحیه مسئولیت‌گریزی افزایش پیدا می‌کند و هم از دیگر سو روحیه همه‌چیزخواهی، هم فرایندهای پراتلاف و پراسراف موضوعیت پیدا می‌کند هم اثر نمایشی یا اثر چشم‌وهم‌چشمی می‌تواند مشکل‌آفرینی کند. جامعه نابرابرساز باعث می‌شود که به‌صورت نظام‌وار انگیزه‌های دانایی و کارایی و بهره‌وری تضعیف و به‌جای آن رانت و ربا و فساد همه‌گیر شود.

در کلی‌ترین حالت، در جامعه‌ای که با نابرابری‌های فزاینده روبه‌روست معجزه تقسیم کار و معجزه‌های ناشی از همکاری و رقابت مسالمت‌آمیز دست‌نیافتنی می‌شود، به جای آن حاکمیت الگوی ستیز و معارضه و بدگمانی و تعارض میان افراد و گروه‌های جامعه پدید می‌آید.

با دقت به چشم‌انداز تحولات بنیانی در عرصه علوم‌اجتماعی در قرن ۲۱، ملاحظه می‌شود یک دگرگونی پرابلماتیک نسبت به قرن بیستم اتفاق افتاده و دغدغه محوری علوم انسانی در قرن بیست‌ویکم از آزادی به روی عدالت متمرکز شده است. در توجیه این مسئله گفته می‌شود در قرن بیست‌ویکم از یک طرف عصر دانایی موضوعیت پیدا کرده و این الگوی فکری پدیدار شده است که دانایی فقط در سایه همکاری و تعاون قابلیت رشد و بلوغ دارد. بنابراین اگر می‌خواهیم این قابلیت در جامعه ایجاد شود مناسبات حاکم بر جامعه در عرصه توزیع قدرت، ثروت، منزلت و اطلاعات باید عادلانه باشد. در این زمینه حداقل هفت گروه استدلال مطرح شده است که هرکدام نیازمند واکاوی‌های ژرف و عالمانه است و امید که لااقل توفیق این را داشته باشیم بیشتر در این زمینه بحث کنیم.

اگر دانایی بخواهد در مرکز خلق ارزش افزوده ایفای نقش کند، جامعه باید تمرین همکاری و تعاون داشته باشد و در چارچوب مناسبات غیرعادلانه چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. رقابت میان افراد، بنگاه‌ها و کشورها نیز تنها در صورتی ثمربخش خواهد بود که در چارچوبی عادلانه قرار گرفته باشد.

در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی، برایند تجربه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، این است که اگر واقعا از این زاویه درس‌های توسعه را فرا بگیریم به نظر می‌رسد درجه ایمان‌افزایی این بحث‌ها از درجه علم‌افزایی آن بیشتر است. به‌عبارت دیگر، اگر صادقانه و عالمانه و روش‌مند به اصول و بنیان‌های دینی خود برگردیم، هم‌راستایی و هم‌گرایی میان آموزه‌های دینی با آموزه‌های تجربه‌شده متکی بر شواهد نظری توسعه مشاهده می‌شود.

سه نکته کلیدی در جمع‌بندی تجربه‌های توسعه عادلانه در سطح دنیا مطرح است. اولین نکته این است که کسانی برای رفع فقر و نابرابری در انتخاب بین اشتغال مولد و اعطای کمک‌های مالی، کمک‌های مالی را برمی‌گزینند و این باعث می‌شود عملا نابرابری‌ها افزایش پیدا کند و ناپایداری‌ها هم گسترش یابد.

می‌دانید که جامعه ما در هشت سال (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲) از این ناحیه با چه خسارت‌های فاجعه‌آمیزی روبه‌رو شده است. برای اینکه رمز عظمت عدالت اجتماعی و اهمیت فهم عالمانه آن را درک کنیم، کافی است به این نکته توجه کنیم که کسانی در این مملکت تلاش کردند از طریق توزیع پول‌های بیت‌المال و توزیع سیب‌زمینی و توزیع چیزهایی از این قبیل برای خود رأی‌سازی کنند. اما برایند این فهم غلط، حتی اگر در نیت صادق بودند، باعث شد در آن دوره هشت ساله به اعتبار هزینه‌کرد چیزی نزدیک به هزار میلیارد دلار در این اقتصاد از محل صادرات نفت و گاز و غیرنفتی، مجموعه خالص فرصت‌های اشتغال ایجادشده در اقتصاد، به گواه گزارشات رسمی مرکز آمار ایران، نزدیک به صفر باشد.

حال از این زاویه می‌توان فلسفه این را بهتر درک کرد که چرا در قرآن به جای اینکه بگوید: خداوند رسولان را فرستاد تا عدالت اجتماعی را برپا کنند، می‌فرماید: خداوند رسولان را فرستاد که لیقوم الناس بالقسط؛ یعنی عدالت اجتماعی فقط در سایه رویکردهای مبتنی بر مشارکت عامه امکان‌پذیر است. وجه عالمانه و بالنده مشارکت همگانی نیز این است که به جای اشتغال مبتنی بر رانت، باید اشتغال مولد را در دستور کار قرار دهیم.

دیدید که در چارچوب آن رویکرد در دوره هشت‌ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، بالاترین رشد فرصت‌های شغلی به گروه مشاغل مربوط به واسطه‌گری‌های مالی تعلق داشته است و این درواقع حاکی از این است که رویکرد غلط به عدالت اجتماعی باعث شد تجارت پول در آن دوره موتور خلق ارزش‌افزوده در اقتصاد ایران باشد.

مؤلفه دومی که به‌عنوان درس‌های قرن بیستم در زمینه کوشش برای تحقق توسعه عادلانه مطرح می‌شود و می‌توان به‌عنوان متغیرهای کنترلی برای ارزیابی جهت‌گیری‌های سیاست‌گذاران مورداستفاده قرار داد، این است که در چارچوب عدالت اجتماعی یکی از پاشنه‌آشیل‌های سیاست‌گذار این است که به نام عدالت اجتماعی به‌جای تحریک تولید به تحریک مصرف بپردازد. تمام رویکردهایی که نقطه عزیمت خود برای عدالت اجتماعی را تحریک مصرف قرار داده‌اند، بدون استثنا شکست خورده‌اند. اگر دقت کرده باشید، زمانی که فاجعه شوک‌درمانی در زمینه حامل‌های انرژی در ایران مطرح بود، یکی از مؤلفه‌های اصلی انتقادهای کارشناسان این بود که در شرایطی که کشور در قسمت عرضه کل اقتصاد با بحران‌های جدی ساختاری روبه‌روست، به نام عدالت اجتماعی توزیع یارانه نقدی چیزی جز معنای تحریک تقاضا ندارد و تحریک تقاضا نیز در چارچوبی که بنیه تولیدی ما به سمت ضعف و انحطاط می‌رود، به معنای وابستگی فزاینده به دنیای خارج هم خواهد بود و از آن ناحیه هم ناپایداری‌های نظام ملی را تشدید خواهد کرد. این در حالی است که اساس و فلسفه وجودی عدالت اجتماعی در اندیشه توسعه پایدار این است که عدالت اجتماعی فلسفه وجودی خود را در پایدارسازی مناسبات اجتماعی می‌بیند و اگر ما به طرز وابستگی‌آور خود را متکی به دنیای خارج کنیم لاجرم، به صدور افراطی تک‌محصول خام وابسته‌تر می‌شویم و اینها همه ضدپایداری است. متأسفانه در آن زمان به این توصیه مشفقانه توجه نشد.

مؤلفه سومی که در تجربه‌های جهانی توسعه عادلانه موردتأکید قرار می‌گیرد، مقیاس کارایی و بهره‌وری است. هر رویکردی که به نام عدالت اجتماعی باشد و وجهه همت اصلی خود را بر ارتقای کارایی قرار نداده باشد، یک برنامه منحط و شکست‌خورده است. از این زاویه می‌توان دید که الزامات کارایی چیست. در اینجا می‌بینید که مثلا یکی از لوازم کارایی این است که هزینه فرصت مفت‌خوارگی در اقتصاد بالا باشد. اینکه افراد نتوانند از طریق رانت و واسطه‌گری و فساد درآمدهای سرشار و غیرعادی کسب کنند. حالا اینکه الزامات نهادی پیشبرد این اهداف چیست، در بحث‌هایی که با عنوان هدایای تاریخی به دولت روحانی مطرح کردم، به تفصیل توضیح داده‌ام که برای این منظور، ابتدا باید فرایندهای توزیع دلارهای نفتی را شفاف کرد و تا زمانی که این شفافیت اتفاق نیفتد، انگیزه‌های کارایی و بهره‌وری در اقتصاد ایران شکل نخواهد گرفت؛ همان‌طور که باید فرایند توزیع اعتبارات بانکی نیز شفاف شود و دیگر مؤلفه‌هایی که در جای خود به‌تفضیل، اشاره شده است.

در سطح نظری در این زمینه یک نکته بسیار مهم وجود دارد و امیدوارم دوستانی که به‌صورت تخصصی در حوزه اقتصاد کار می‌کنند، در این زمینه تلاش‌های بایسته‌ای انجام دهند و فهم نظام سیاست‌گذاری را در این زمینه بالا ببرند. یکی از گرفتاری‌های بزرگ ما در اقتصاد سیاسی ربع قرن اخیر، این است که هر فاجعه‌ای که در این اقتصاد اتفاق افتاده، یک سر آن به بنیادگرایی بازار و توجیه آن رویه‌های ضدتوسعه‌ای سه‌گانه با منطق‌های بنیادگرایی بازار مربوط می‌شود درحالی‌که شما وقتی به‌صورت عمیق اقتصاد بازار را مورد مطالعه قرار می‌دهید، می‌بینید اساسا تمام وعده‌هایی که اقتصاد بازار در سطح نظری می‌دهد، یعنی بهینگی، کارایی و آزادی بدون استثنا همگی منوط به برقراری عدالت اجتماعی است. فرض همگن‌پنداری بازیگران و همگون‌پنداری محصولات، این یعنی در آستانه برابری کامل‌بودن و اقتصاد بازار تنها به شرطی که این مناسبات وجود داشته باشد، می‌تواند به کارایی و بهینگی و آزادی منجر شود. متأسفانه یا کج‌فهمی است یا تجاهل یا هرچیز دیگر، نوکلاسیک‌های وطنی در ایران در این زمینه به‌کلی ساکت و غافل هستند و شاید جالب باشد کسانی که مقام و جایگاه خانم رابینسون را در تاریخ علم اقتصاد می‌دانند، چقدر خوب است که به کتاب فلسفه اقتصادی ایشان مراجعه کنند. در آنجا خانم رابینسون از یک بیان تمثیلی استفاده می‌کند. می‌گوید: اگر احیانا روزی در جهان یک مسابقه برای انتخاب کمونیستی‌ترین نظریه اقتصادی برگزار شود، به نظر شما کدام نظریه انتخاب خواهد شد؟! پاسخ می‌دهد از نظر من قاطعانه باید گفت در صورت برگزاری چنان مسابقه‌ای، اقتصاد بازار انتخاب خواهد شد. چرا؟ به‌خاطر فرض همگن‌پنداری بازیگران اقتصادی و همگون‌پنداری محصولات تولیدی. پس این هم یک مسئله بسیار حیاتی است. دقت داشته باشید که حتی در بحث‌های جدیدی که طی یک ربع قرن اخیر در زمینه مبارزه کارآمد با فقر مطرح می‌شود، گفته می‌شود مبارزه با فقر در غیاب طراحی یک برنامه ملی بهره‌وری، امکان‌پذیر نیست. نگاه کنید در دوره مسئولیت آقای احمدی‌نژاد از این ناحیه چه ظلم‌هایی به ایران شد. به عبارت دیگر، در آن زمان هر چیزی که بویی از بهره‌وری به مشام می‌رساند، با مخالفت‌ها، ممانعت‌ها و فشارهای غیرمتعارف روبه‌رو می‌شد. حال از این زاویه به یکی از درخشان‌ترین بحث‌هایی که در کل قرن بیستم در زمینه بهره‌وری ارائه شده است، اشاره می‌کنم. پیتر دراکر، یکی از مطرح‌ترین دانشمندان آینده‌شناس و متفکران بزرگ مدیریت، کتابی به نام جامعه پساصنعتی دارد. خوشبختانه این کتاب به فارسی هم ترجمه شده است و ارزش مطالعه جدی و عمیق هم دارد. وی در آنجا می‌گوید: مهم‌ترین لازمه امکان‌پذیری حرکت بهره‌وری، این است که ترتیبات نهادی به‌گونه‌ای سامان پیدا کنند که در آن اقتدارهای مبتنی‌بر پول و اقتدارهای مبتنی‌بر زور جای خود را به اقتدارهای مبتنی‌بر علم بدهند. از این زاویه باید تقدیری از مقام معلمان صورت پذیرد. درست است که متأسفانه جامعه ما بدترین شکل پاداش‌دهی را نسبت به معلمان اعمال می‌کند و انصاف این است که معلمان ما جزء گروه‌هایی هستند که بیشترین مشقت‌ها و مضیقه‌ها را در زندگی خود تجربه می‌کنند ولی واقعیت این است که آنهایی که بذر علم در ایران می‌کارند و تلاش می‌کنند که در یک اقتصاد رانت‌زده و سوداگری‌زده برای علم جایگاهی دست و پا کنند، اینها بذر دین و بذر توسعه و بذر کارایی و بهره‌وری می‌کارند. چقدر جای دریغ و تأسف است که در نظام پاداش‌دهی جامعه ما آنهایی که رانت‌خوار و رباخوار و واسطه و دلال هستند، برخورداری‌های غیرعادی دارند و آنهایی که بذر علم می‌پاشند، این‌قدر در سختی و مشقت هستند. وقتی که راجع به اهمیت عدالت اجتماعی صحبت می‌شود معمولا توجیه‌هایی که برای فرار از مسئولیت از ناحیه دولت‌ها مطرح می‌کنند این است که می‌گویند درباره سازوکارهای نیل به عدالت اجتماعی، میان اهل نظر اختلاف است و بنابر این، آن را توجیهی برای فرار از مسئولیت می‌دانند. همه ما می‌دانیم که این درواقع منطقی نیست بلکه یک روش فرافکنی و مسئولیت‌گریزی است. همه می‌دانند که حتی پزشکان در مواجهه با یک بیمار خاص دیدگاه‌های متفاوت ارائه می‌کنند، اما این هیچ‌وقت باعث نمی‌شود بیمار به سراغ پزشک نرود. معلوم است که این حرف بی‌منطق است، اما برای اینکه از این زاویه هم بهانه‌ای وجود نداشته باشد، در ادبیات توسعه عادلانه گفته می‌شود که مسئله‌ای که میان همه متفکران و اندیشه‌ورزان حوزه توسعه عادلانه مورد وفاق جمعی است این است که گام نخست در برپایی مناسبات معطوف به توسعه عادلانه، زدودن چهره‌های عریان بی‌عدالتی، فقر و نابرابری است.

کسانی در این مملکت تلاش کردند از طریق توزیع پول‌های بیت‌المال و توزیع سیب‌زمینی و توزیع چیزهایی از این قبیل برای خود رأی‌سازی کنند. اما برایند این فهم غلط، باعث شد در آن دوره هشت سال به اعتبار هزینه‌کرد چیزی نزدیک به هزار میلیارد دلار از محل صادرات نفت و گاز و غیرنفتی، مجموعه خالص فرصت‌های اشتغال نزدیک به صفر باشد

ادامه در صفحه ۱۹

خبر

فعال‌شدن هیأت تثبیت قیمت‌ها در دولت

● **مهر:** معاون وزیر صنعت از تصمیم جدید دولت برای بازنگری در ضوابط قیمت‌گذاری کالاها خبر داد و گفت: دومین جلسه هیأت «تعیین و تثبیت قیمت‌ها» در دولت یازدهم در هفته جاری برگزار می‌شود. محمود نوابی افزود: هیأت تعیین و تثبیت قیمت‌ها از سال ۸۹ به‌دلیل عدم احساس ضرورت، تشکیل جلسه نداده است، اما اکنون دولت احساس کرده که باید دستورالعمل قیمت‌گذاری کالاها مجددا بازنگری شود، چراکه برخی موارد آن باید اصلاح و برخی موارد باید اضافه شود. هیأت تعیین و تثبیت قیمت‌ها با حضور نمایندگان تام‌الاختیار وزرای عضو مجمع عمومی سازمان حمایت شامل وزارت صنعت، جهادکشاورزی، اقتصاد، تعاون، کار و امور اجتماعی و نمایندگان رؤسای کل بانک مرکزی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و همچنین معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور تشکیل جلسه می‌دهد.

وی در ادامه درباره نحوه قیمت‌گذاری خودرو اظهار کرد: اینکه قیمت‌گذاری خودرو به سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برگردد، باید با نظر و تصمیم دولت باشد، ضمن اینکه اکنون سازمان حمایت به این موضوع ورود نخواهد کرد، چراکه در حیطه کار شورای رقابت است، اما وزیر صنعت، معدن و تجارت طی درخواستی به معاون اول رئیس‌جمهور، تقاضای بازگشت قیمت‌گذاری به سازمان حمایت را داشته که معاون اول نیز این موضوع را برای بررسی و تصمیم‌گیری به شورای اقتصاد ارجاع داده است. به‌گفته نوابی، درخواست وزیر این بوده که خودرو از شمول کالاهای انحصاری خارج شود؛ بنابراین اگر شورای اقتصاد در این رابطه تصمیم‌گیری کند، به‌طور طبیعی مکانیسم بررسی قیمت به سازمان حمایت واگذار می‌شود و همکاران سازمان حمایت، بررسی قیمت را شروع خواهند کرد و براساس ضوابط قیمت‌گذاری خودرو که جدید هم نیست و مصوب سنوات گذشته است، قیمت خودرو را نیز همانند سایر کالاها تعیین می‌کنند. وی اظهار کرد: البته هم‌اکنون هم تعیین قیمت برخی از کالاها از سوی کارگروه کنترل بازار و بعضا شورای اقتصاد به سازمان حمایت محول می‌شود، چراکه این سازمان یک نهاد تخصصی و کارشناسی است و این سازمان می‌تواند نظر خود را در رابطه با قیمت‌ها ارائه دهد و بعضا نظرش در مراجع قیمت‌گذاری و تصمیم‌گیری تصویب می‌شود. برهمین‌اساس در مقطع بعدی هم کار به همین شکل خواهد بود و سازمان حمایت نظر کارشناسی می‌دهد و براساس این نظر کارشناسی ممکن است همان قیمت تنفیذ شود یا ممکن است قیمت در شورای اقتصاد به تصویب رسد.

وی درباره شیوه قیمت‌گذاری خودروهای وارداتی نیز خاطرنشان کرد: سازمان حمایت براساس دستور وزیر صنعت، معدن و تجارت به قیمت‌گذاری خودروهای وارداتی ورود کرده ولی نه به این شکل که هر خودرویی که وارد کشور شود را قیمت‌گذاری کند بلکه براساس ضوابط استانداردی که وجود دارد و به همه شرکت‌ها و واردکنندگان ابلاغ شده است، قیمت هر خودرو وارداتی بر مبنای مؤلفه و شاخص قیمت مصرف‌کننده، محاسبه می‌شود.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
سازمان فناوری اطلاعات ایران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی استعلام شماره (۹۴/۲۱)
با موضوع: خرید خدمات مشاور توسعه و نگهداری مرورگر بومی و سرویس‌های ارزش افزوده آن
(تجدید استعلام خدمات مشاوره شماره ۹۴/۸)

۱- نام کارفرما: سازمان فناوری اطلاعات ایران
۲- موضوع پروژه: خدمات مشاوره توسعه، نگهداری و سرویسهای ارزش افزوده مرورگر بومی
۳- اسناد و گواهی های صلاحیت مورد نیاز:
۳-۱- گواهینامه صلاحیت از شورای عالی انفورماتیک در هر دو رشته زیر:
۳-۱-۱- تولید و پشتیبانی نرم افزارهای سفارش مشتری حداقل رتبه ۴
۳-۱-۲- امنیت و فضای تولید تبادل اطلاعات حداقل رتبه ۶
۳-۲- سایر اسناد مندرج در شاخص های ارزیابی کیفی
۴- بهای اسناد: مبلغ ۳۲۷/۰۰۰ ریال که به شماره حساب سیبا ۲۱۷۴۸۲۹۰۰۲۰۰۰ نزد بانک ملی ایران شعبه آرمیتا به نام مناقصه گزار سازمان فناوری اطلاعات ایران واریز گردد.
۵- محل، زمان و مهلت دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی:
۵-۱- محل: اداره قراردادهای سازمان فناوری اطلاعات ایران به نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، ورودی شماره ۲۲، ساختمان مرکزی سازمان فناوری اطلاعات ایران، طبقه دوم، اتاق ۲۰۹
۵-۲- زمان و مهلت دریافت اسناد: از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۰۳/۲۰ به استثناء ایام تعطیل.
۵-۳- زمان و مهلت تحویل مدارک ارزیابی کیفی: از زمان دریافت اسناد لغایت روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۰۳/۲۷
- جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی ارائه معرفی نامه و اصل رسید پرداخت وجه الزامی می باشد.
- دریافت اسناد ارزیابی کیفی و تحویل مدارک هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد پس از ارزیابی کیفی از مشاوران واجد صلاحیت جهت تسلیم پیشنهاد دعوت خواهد شد.
نکته: اشخاص حقوقی که قصد شرکت در استعلام خرید خدمات مشاوره به صورت مشارکت مدنی را دارند می بایست سند مشارکت مدنی را مطابق نمونه پیوست اسناد ارزیابی کیفی، در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم و به همراه سایر مدارک تحویل نمایند.
نشانی پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: http://IETS.MPORG.IR
نشانی سایت اینترنتی: WWW.ITC.IR
سازمان فناوری اطلاعات ایران
م/الف ۷۳۸